

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۵۲ زمستان ۱۳۹۷

## بررسی و همگرایی بین ابعاد نظریه زیستی هفت عاملی کلونینجر و مدل AFECT سرشت عاطفی هیجان

غلامرضا چلیبانلو<sup>۱</sup>

سارا کریمی<sup>۲</sup>

سکینه شیخی<sup>۳</sup>

حمید هاشمی‌پور<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی و همخوانی بین ابعاد مدل سرشت عاطفی-هیجانی (AFECT) با ابعاد نظریه کلونینجر (چهار بعد سرشتی و سه بعد منشی) بود. جامعه آماری این پژوهش متشکل از ۲۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان بود که از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و توسط پرسش‌نامه‌های سرشت و منش کلونینجر و AFECT مورد آزمون قرار گرفته‌اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون حاکی از آن بود که نظریه زیستی هفت عاملی کلونینجر توانستند تمامی ابعاد هیجانی و عاطفی مدل AFECT به‌جز بعد خشم و وسواسی را پیش‌بینی نمایند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشانگر وجود همخوانی و رابطه بین نظریه هفت عاملی کلونینجر و مدل سرشت عاطفی-هیجانی AFECT است.

**واژگان کلیدی:** نظریه زیستی هفت عاملی کلونینجر؛ مدل سرشت عاطفی هیجانی AFECT؛ سرشت عاطفی؛ سرشت هیجانی

<sup>۱</sup> - دکتری علوم اعصاب شناختی، استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، تبریز- ایران

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، تبریز- ایران

<sup>۳</sup> - کارشناس ارشد روانشناسی، مازندران، ساری، ایران (نویسنده مسئول) Email: Sakinehsheikhi62@gmail.com

<sup>۴</sup> - دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران- ایران

## مقدمه

شخصیت را می‌توان به صورت سیستم درونی روانی-زیستی پویا متشکل از سرشت و منش تعریف کرد که به وسیله آن افراد با تغییرات و موقعیت‌های درونی و بیرونی سازگار می‌شوند. سرشت که با واکنش به محرکات هیجانی، تفاوت‌های فردی در شدت پاسخ‌دهی به رویدادهای هیجانی و نیز طول مدت واکنش‌های هیجانی مرتبط است، به نظر می‌رسد عنصری کلیدی در شکل‌گیری شخصیت باشد. این بعد از شخصیت ارثی بوده و در اوایل رشد آشکار می‌شود (گارسیا<sup>۱</sup>، نیما و آرچر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). در مقابل منش با تربیت و توانایی‌های اکتسابی، یعنی رشد و تکامل فردی ناشی از تطابق امیال درونی و سرشتی با چالش‌های محیطی، مرتبط است (گويس<sup>۳</sup>، آکيسکال<sup>۴</sup>، اکیسکال و قیگویرا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲).

موضوع شخصیت به دلیل پیچیدگی و داشتن ابعاد گوناگون، حوزه گسترده‌ای است. تعاریف متعددی از شخصیت توسط نظریه‌پردازان مختلف ارائه شده است که در حالت کلی به عنوان یک مجموعه تطابقی از سرشت و منش تعریف می‌شود. در واقع شخصیت دامنه فنوتیپی گسترده‌تری را با پل زدن بین خصایص سرشتی و توانایی‌های اکتسابی پوشش می‌دهد (گويس و همکاران، ۲۰۱۲). منظور از عوامل سرشتی، نگرش گسترده فرد در برابر محیط است که زیرپایه‌های زیستی دارد. به عبارت بهتر، سرشت زیربنا و اساس اکتساب صفات رفتاری خودکار و عاداتی است که در سال‌های اولیه زندگی قابل مشاهده بوده و تقریباً در طول زندگی فرد پایدار می‌باشند (بیرامی و عبداله‌زاده جدی، ۱۳۹۱).

نظریه ویژگی‌های شخصیت یکی از مهم‌ترین محدوده‌های نظری در مطالعه شخصیت است که بر تفاوت‌های بین افراد تمرکز دارد. از جمله نظریه‌های شخصیت می‌توان به نظریه گوردن آلپورت، هایس آیزنک، ریموند کتل و... نام برد. یکی دیگر از نظریه‌های شخصیت که سعی در توجیه منش و خوی افراد از طریق زیستی دارد نظریه هفت عاملی کلونینجر می‌باشد. کلونینجر (۲۰۰۴ و ۲۰۰۶) یکی از نظریه‌پردازان زیستی شخصیت است

1- Garcia

3- Gois

5- Akiskal &amp; Figueirad

2- Nima &amp; Archer

4- Akiskal

که با نگاه و تأکید بر بنیان‌های زیستی شخصیت، چهارچوب نظری مستحکمی را در دو زمینه سرشت و منش پدید آورده است. مفهوم سرشت، در دیدگاه کلونینجر به تفاوت‌های فردی در زمینه پاسخ‌های هیجانی اساسی اشاره دارد، از سوی دیگر، منش (که ممکن است رشدیافته یا رشدنا یافته باشد) منعکس‌کننده اهداف زندگی، نظام ارزشی و هیجانات خودآگاه فرد است، ولی ابعاد منش، کمتر اثری است و اغلب تحت تأثیر یادگیری اجتماعی قرار می‌گیرد (تاکه اوچی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). نظریه روانی-زیستی کلونینجر رویکرد نظام‌مندی است که در مطالعات جوامع مختلف و نمونه‌های بالینی برای توصیف و طبقه‌بندی هر دو نوع شخصیت نرمال و غیرنرمال مورد استفاده قرار می‌گیرد (دینیا<sup>۲</sup>، سسوربا و گروسز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). مدل کلونینجر یکی از مدل‌های محبوب علم روانشناسی است (فریوت<sup>۴</sup>، ویله و هرینگین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰) نظریه مطرح شده توسط کلونینجر بر اساس خلاصه‌ای از یافته‌های هر دو رشته زیستی و اجتماعی است (جیانکول<sup>۶</sup>، زیچنر<sup>۷</sup>، نوبولت و استیننت<sup>۸</sup>، ۱۹۹۴). کلونینجر و همکاران یک نظریه روان‌کاوی که شامل چهار بعد خلق و خو و سه بعد شخصیت می‌باشد را ارائه کردند (فریوت و همکاران، ۲۰۰۰). در الگوی هفت عاملی کلونینجر (۱۹۹۴)، شخصیت متشکل از دو سازه بنیادی سرشت (کلونینجر، ۱۹۸۷ و ۲۰۰۰) و منش (کلونینجر، ۱۹۹۴) در نظر گرفته می‌شود. بعد سرشتی شامل نوجویی (NS)<sup>۹</sup>، اجتناب از آسیب (HA)<sup>۱۰</sup>، وابستگی به پاداش (RD)<sup>۱۱</sup> و پشتکار (PS)<sup>۱۲</sup>، و بعد منشی شامل خودراهبردی (SD)<sup>۱۳</sup>، همکاری (C)<sup>۱۴</sup> و تعالی‌بخشی خود (ST)<sup>۱۵</sup> هستند (سوراکیک<sup>۱۶</sup> و کلونینجر، ۲۰۰۰). در راستای نظریه فوق‌الذکر، اخیراً لارا و همکاران (۲۰۱۲) مدلی را بر مبنای جنبه سرشتی شخصیت تحت عنوان مدل AFFECT مطرح نموده‌اند. مدل عنوان شده بسیاری از مفاهیم بیان شده توسط آیزنک، گری، کلونینجر، واتسون و کاستا و مک‌کری را در بر دارد. در واقع

1- Takeuchi  
3- Csorba & Grosz  
5- Wiele & Heeringen  
7- Zeichner  
9- novelty seeking  
11- ward dependence  
13- self-directiveness  
15- self-transcendence

2- Dinya  
4- Fruyt  
6- Giancola  
8- Newbolt & Stennett  
10- harm avoidance  
12- persistence  
14- co-operativeness  
16- Svrakic

مدل‌های فوق موضوع واحدی را با واژگان مختلف بررسی نموده‌اند. مدل AFFECT سعی کرده است تا تمامی مفاهیم مطرح شده در نظریه‌های فوق را در یک مدل منسجم کنار هم قرار دهد. مدل مذکور مبتنی بر این فرض است که سرشت یک موضوع اصلی است و به عنوان نیروی رابط بین رفتار، شناخت، ادراک، توجه، روابط، خلق و امیال عمل می‌کند (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). این مدل تلفیقی از مفاهیم سرشت عاطفی و هیجانی می‌باشد. در این مدل اعتقاد بر این است که صفات سرشتی مبتنی بر هیجان و عاطفه می‌تواند پلی بین رشته‌های روانپزشکی، روان‌شناسی و علوم اعصاب برقرار نماید. سرشت‌های هیجانی شامل، اراده، خشم، بازداری، حساسیت، مقابله و کنترل می‌باشد. هریک از این ابعاد هیجانی به دو بخش تقسیم شده و در نهایت ۱۲ بعد عاطفی را شکل می‌دهند که عبارتند از: افسردگی، اضطراب، بی‌تفاوتی (انواع درون‌سازی شده)، وسواس، هیجان‌زدگی، سرحالی (انواع پایدار)، تغییرپذیری، ادوارخویی، ملالت (انواع ناپایدار)، تحریک‌پذیری، بازداری‌زدایی و سرخوشی یا شنگولی (انواع برون‌سازی شده) (فوسکالدو<sup>۱</sup>، بیسول و لارا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳؛ لارا و همکاران، ۲۰۱۲). که برخی از این موارد در دامنه نرمال و برخی در دامنه غیرنرمال قرار می‌گیرند. سرشت‌های عاطفی به‌عنوان بخش قطعی و معین شخصیت می‌باشند که آسیب‌پذیری فرد در برابر اختلال‌های روانی از جمله اختلال‌های عاطفی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آکیسکال (۲۰۰۵؛ به نقل از هیفانتیس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳) معتقد است که در نظر گرفتن این نوع سرشت زمانی که برنامه درمانی موثری برای بیماران مبتلا به اختلال‌های خلقی ارائه می‌شود، ضروری است. در واقع، رویکرد سرشت عاطفی نسبت به رویکرد سرشتی نظام کلونینجر چشم‌انداز کلی تری از سرشت را فراهم کرده و چگونگی خلق و رفتار در طول زمان را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، سرشت عاطفی ادواری‌خویی با نوسانات خلقی و واکنش‌های عاطفی نامتناسب که فرض می‌شوند ناشی از تعاملات صفات هیجانی خاص از جمله حساسیت هیجانی، تمایل و خشم بالا در ترکیب با کنترل و مقابله پایین باشد، مشخص می‌گردد. لذا ارزیابی ابعاد هیجانی، سنجش دقیق، خاص و ابعادی فراهم می‌کند، در حالی که طبقه‌بندی مقوله‌ای انواع سرشت عاطفی دیدگاهی کلی از سرشت و خلق را

1- Fuscaldo  
3- Hyphantis et al.

2- Bisol & Lara

ارائه می‌دهد. این روش (تلفیق دسته‌بندی ابعادی و مقوله‌ای) منحصرًا در مدل ترکیبی سرشت عاطفی و هیجانی مشهود است.

مدل لارا معتقد است که این مدل دربرگیرنده سایر مدل‌های زیستی شخصیت از جمله دیدگاه کلونینجرمی باشد. لذا هدف پژوهش حاضر ارتباط بین این دو نظریه و بررسی الگوی ارتباطی و میزان همخوانی بین ابعاد نظریه کلونینجر با مدل سرشت عاطفی هیجانی AFFECT می‌باشد.

### روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان بودند که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. حجم تقریبی جامعه مورد نظر (۶۱۷۰) نفر به تفکیک جنسیت دختران ۳۹۶۶ و پسران ۲۲۰۴ نفر می‌باشد. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان ۳۵۰ پرسشنامه تهیه شد که از این تعداد، حدود ۳۰۰ پرسشنامه برگشت داده شد که از بین آنها ۸۰ پرسشنامه نیز مخدوش بود که با کنار گذاشتن آنها نهایتاً ۲۲۰ پرسشنامه قابل نمره‌گذاری و تحلیل بود از جامعه فوق نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شد که میانگین سنی کلی آزمودنی‌ها ۲۳ و انحراف معیار ۳/۵۶ است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

شرکت‌کنندگان در پژوهش، با تکمیل دو پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر و AFFECT مورد ارزیابی قرار گرفتند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش، از روش آماری پیرسون جهت بررسی ارتباط بین متغیرها و رگرسیون جهت پیش‌بینی استفاده شده است. داده‌ها از طریق برنامه آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ابزار پژوهش

پرسشنامه شخصیتی سرشت و منش کلونینجر<sup>۱</sup> (TCT): این پرسشنامه توسط کلونینجر، پرزیابک، سوراکیک و وتزل در ۱۹۹۴ برای اندازه‌گیری سرشت، زیست ژنتیکی و منش اکتسابی ساخته شده است. دارای ۲۵ سوال بوده و هر آزمودنی به این سوالات با انتخاب یکی از گزینه‌های صحیح و غلط پاسخ می‌دهد و این سوالات به صورت صفر و یک نمره‌گذاری می‌شوند. برای سنجش خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ساخته شده است که یا از طریق وراثت (سرشت) و یا از طریق محیط (منش)، در فرد موجود است. این پرسشنامه دارای هفت مقیاس گوناگون است: (۱) نوجویی (تازگی‌طلبی)، (۲) آسیب‌پرهیزی، (۳) پاداش وابستگی، (۴) پشتکار، (۵) خودراهبری، (۶) همکاری و (۷) خودفراروی. چهار مقیاس اول ابعاد سرشت و سه مقیاس دیگر ابعاد منش را می‌سنجد (کاوایانی، ۱۳۸۴).

کاوایانی (۱۳۸۴)، همبستگی درونی مقیاس‌ها را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نمونه، شامل ۱۲۱۲ نفر را برای نوجویی ۷۲٪، آسیب‌پرهیزی ۸۰٪، پاداش وابستگی ۷۳٪، پشتکار ۵۵٪، همکاری ۷۷٪، خودراهبردی ۸۴٪ و خودفراروی ۷۲٪ به دست آورد. ضریب روایی (100=n) عبارت است از: نوجویی ۷۵٪، آسیب‌پرهیزی ۷۲٪، پاداش وابستگی ۸۷٪، پشتکار ۹۰٪، همکاری ۷۶٪، خودراهبری ۶۶٪ و خودفراروی ۸۶٪.

ج: مقیاس ترکیبی سرشت عاطفی و هیجانی (AFFECTS): لارا و همکاران مقیاس AFFECT را به منظور شناسایی ابعاد سرشت هیجانی و عاطفی شخصیت طراحی کردند. این مقیاس بخش‌های هیجانی و عاطفی را به صوت مجزا ارزیابی می‌کند. در مجموع ۶۲ سوال وجود دارد و به طور معمول برای تکمیل آن حدود ۳۰ دقیقه زمان نیاز است.

بخش هیجانی این پرسشنامه، یک مقیاس دو قطبی ۷ درجه ای با ۵۲ سوال است که به ۶ بعد تقسیم شده و هر بعد شامل ۸ سوال می‌باشد. ابعاد شامل اراده، خشم، بازداری، حساسیت، مقابله و کنترل می‌باشند. دامنه‌ی نمره کلی برای مجموع ابعاد هیجانی ۸ تا ۵۶ می‌باشد. هر کدام از ابعاد هیجانی با توجه به محتوا و همبستگی بین سوالات به دو عامل ۴

1- Temperament and Character Inventory

سوالی تقسیم می‌شوند: اراده (شامل دو عامل خوش‌بینی و توانایی)، خشم (شامل دو عامل پرتنش و تحریک‌پذیری)، بازداری (شامل دو عامل ترس و احتیاط)، حساسیت (شامل دو عامل روابط بین فردی و رویدادها)، مقابله (شامل دو عامل رویارویی و راه‌حل پیدا کردن) و کنترل (شامل دو عامل تمرکز و نظم).

بخش عاطفی پرسشنامه، برای ارزیابی سرشت عاطفی ۱۲ توصیف کوتاه با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از اصلاً شبیه من نیست تا کاملاً شبیه من است) ارائه شده است. سرشت عاطفی در این مقیاس شامل: افسردگی، اضطراب، بی‌تفاوتی، ادوار خوبی، بی‌قراری و ملامت، تغییر پذیری، وسواس، سرحالی، هیجان‌زدگی، تحریک‌پذیری، بازداری‌زدایی و سرخوشی است.

مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۸۶. و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۵. الی ۰/۹۱. گزارش شده است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). در ایران، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۸۲. و برای زیر مقیاس‌های آن ۰/۴۹-۰/۸۹. گزارش شده است.

### یافته‌ها

در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی جمعیت گروه نمونه آورده شده است

جدول (۱) شاخص‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه

شاخص		زن	مرد
میانگین	۲۳/۳۰	۲۳/۱۵	
انحراف معیار	۳/۵۵	۳/۵۳	
تعداد	۱۳۵	۸۵	
درصد	۵۹	۴۱	
تعداد	۱۲۶		
درصد	۶۱/۵		
تعداد	۸۷		
درصد	۳۶/۸		
تعداد	۷		
درصد	۱/۸		

جهت بررسی رابطه بین نظریه سرشت و منش کلونینجر و مدل سرشت عاطفی-هیجانی AFECT از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول (۲) ماتریس همبستگی نظریه هفت عاملی کلونینجر با ابعاد هیجانی AFECT

متغیرها	NS	HA	RD	PS	C	SD	ST	اراده	خشم	بازداری	حساسیت	مقابله	کنترل
NS	۱												
HA		۱											
RD			۱										
PS				۱									
C					۱								
SD						۱							
ST							۱						
اراده								۱					
خشم									۱				
بازداری										۱			
حساسیت											۱		
مقابله												۱	
کنترل													۱

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که بین مؤلفه خشم و نوجویی، بازداری و وابستگی به پاداش و مقابله با تعالی بخشی به خود همبستگی مثبت معنادار در سطح (۰/۰۱) وجود دارد، همچنین بین مؤلفه‌های بازداری، مقابله و کنترل با عامل نوجویی و بین مؤلفه‌های اراده، مقابله و کنترل با مؤلفه اجتناب از آسیب همبستگی منفی وجود دارد در سطح (۰/۰۵). همچنین بین مؤلفه بازداری، حساسیت، با مؤلفه اجتناب از آسیب و عامل حساسیت با وابستگی به پاداش و مؤلفه کنترل و پشتکار و مؤلفه‌های اراده، مقابله و کنترل با عامل همکاری و خودراهبردی و مؤلفه اراده و کنترل با تعالی بخشی به خود همبستگی مثبت معنادار در سطح (۰/۰۵) یافت شد بین مؤلفه خشم و همکاری و خودراهبردی و مؤلفه حساسیت و تعالی بخشی به خود همبستگی منفی معنادار در سطح (۰/۰۱) یافت شد.



جدول (۳) ماتریس همبستگی مدل کلونینجر با ابعاد عاطفی AFECT

S	HA2.	RD3.	PS4.	C5.	SD6.	ST7	افسردگی	اضطراب	تابناوتی
۱	۱	۰/۰۷	۰/۰۹	-۰/۰۸	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	۰/۰۰	-۰/۰۷	۰/۱۲
۲	۱	۰/۰۷	-۰/۱۸**	-۰/۳۵**	-۰/۵۹**	-۰/۹۹**	۰/۳۹**	۰/۶۶**	۰/۴۳**
۳	۱	۰/۰۵	۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۹	۰/۲۲	-۰/۱۷**	-۰/۰۰	۰/۰۲
۴	۱	-۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۸**	۰/۰۲	۰/۱۰	-۰/۱۵*	
۵	۱	۰/۴۱**	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۶	۱	۰/۱۵*	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۷	۱	-۰/۱۶*	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۸	۱	۰/۴۳**	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۹	۱	۰/۴۸**	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۰	۱	۰/۵۰**	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۱	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۲	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۳	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۴	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۵	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۶	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۷	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۸	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۱۹	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	
۲۰	۱	۰/۱۱	۰/۲۷**	-۰/۳۷**	-۰/۲۸**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	-۰/۲۳**	



نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که بین اکثر ابعاد نظریه هفت عاملی کلونینجر و ابعاد عاطفی AFECT، همبستگی معنادار وجود دارد.

در ادامه در راستای همخوانی بین این دو نظریه از تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد که نتایج در جداول (۴ و ۵) ارائه شده است.

جدول (۴) رگرسیون چندگانه پیش‌بینی ابعاد هیجانی AFECT از طریق مدل کلونینجر

Sig	T	Beta	R2	R	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
NS	۰/۰۱	-۰/۰۰				NS
۰/۰۰۱	۵/۰۵	-۰/۳۵				HA
۰/۰۵	۲/۳۴	-۰/۱۳				RD
NS	-۰/۲۸	-۰/۰۱	۰/۳۸	۰/۶۱	اراده	PS
NS	-۰/۲۴	-۰/۰۱				C
۰/۰۰	۳/۷۶	-۰/۲۷				SD
۰/۰۱	۲/۵۰	-۰/۱۴				ST
NS	۱/۶۷	-۰/۱۲				NS
NS	۰/۰۴	-۰/۰۰				HA
NS	-۰/۴۷	-۰/۰۳				RD
NS	۱/۴۹	-۰/۱۰	۰/۰۶	۰/۲۴	خشم	PS
NS	-۰/۷۵	-۰/۰۶				C
NS	۱/۲۴	-۰/۱۱				SD
NS	۱/۰۳	-۰/۰۷				ST
۰/۰۰۱	۵/۲۵	-۰/۳۴				NS
۰/۰۰۱	۲/۶۴	-۰/۲۱				HA
۰/۰۰۱	۲/۶۷	-۰/۱۷				RD
NS	-۰/۲۷	-۰/۰۱	۰/۱۹	۰/۴۴	بازداری	PS
NS	-۰/۴۲	-۰/۰۳				C
NS	-۰/۸۷	-۰/۰۷				SD
NS	-۰/۲۴	-۰/۰۱				ST

NS	۰/۵۸	-۰/۰۴				NS
۰/۰۰۱	۲/۹۷	۰/۲۴				HA
۰/۰۱	۲/۴۸	۰/۱۶				RD
NS	۰/۰۸	-۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۳۸	حساسیت	PS
NS	۰/۰۶	۰/۰۰				C
NS	۱/۱۳	-۰/۰۹				SD
NS	۱/۳۸	-۰/۰۹				ST
۰/۰۱	۲/۳۸	-۰/۱۵				NS
۰/۰۰۱	۲/۶۳	-۰/۲۷				HA
NS	۰/۷۹	۰/۰۴				RD
NS	۰/۰۵	-۰/۰۰	۰/۲۶	۰/۵۱	مقابله	PS
۰/۰۵	۲/۰۷	-۰/۱۴				C
NS	۱/۶۸	-۰/۱۳				SD
NS	۰/۸۲	۰/۰۵				ST
۰/۰۰۱	۴/۳۰	-۰/۲۵				NS
۰/۰۱	۲/۴۵	-۰/۱۷				HA
۰/۰۰۱	۲/۷۲	۰/۱۵				RD
NS	۱/۴۲	-۰/۰۸	۰/۳۵	۰/۵۹	کنترل	PS
NS	۰/۲۳	-۰/۰۱				C
۰/۰۰۱	۳/۹۵	۰/۲۹				SD
۰/۰۱	۲/۴۳	-۰/۱۴				ST

جدول (۵) رگرسیون چندگانه پیش‌بینی ابعاد عاطفی AFFECT از طریق مدل کلونینجر

Sig	T	Beta	R2	R	متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
NS	۱/۳۴	-۰/۰۸				NS
۰/۰۰۱	۳/۱۱	۰/۲۳				HA
۰/۰۱	۲/۵۰	-۰/۱۵				RD
NS	۱/۲۲	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۵۱	افسردگی	PS
۰/۰۱	۲/۵۴	-۰/۱۸				C
۰/۰۱	۲/۵۰	-۰/۱۹				SD
NS	۰/۶۳	-۰/۰۴				ST

./01	2/47	-0/15				NS
./001	5/32	0/39				HA
NS	0/17	0/01				RD
./001	2/82	0/17	-0/28	0/53		PS
./05	1/92	-0/13			اضطراب	C
NS	1/24	-0/09				SD
NS	0/34	-0/02				ST
NS	0/71	0/04				NS
./001	3/60	0/27				HA
NS	0/17	-0/01				RD
NS	0/91	-0/05	0/25	0/50	بی تفاوتی	PS
NS	0/09	0/00				C
./001	3/02	-0/23				SD
NS	1/48	-0/09				ST
NS	1/64	0/11				NS
./00	3/48	0/28				HA
NS	0/57	-0/03				RD
NS	1/09	0/07	0/17	0/41	ادواری خوبی	PS
NS	0/91	-0/07				C
NS	1/25	-0/10				SD
NS	0/09	-0/00				ST
./01	2/57	0/16				NS
./01	2/46	0/18				HA
NS	0/46	0/02				RD
./05	2/34	0/14	0/26	0/51	ملالت	PS
./001	2/83	-0/20				C
NS	1/89	-0/14				SD
NS	0/94	-0/06				ST
NS	1/12	0/06				NS
NS	0/82	0/06				HA
NS	0/21	0/01	0/31	0/56	تغییرپذیری	RD
./01	1/66	0/09				PS
./001	2/58	-0/17				C

	۴/۶۰	-۰/۳۴				SD
	۲/۳۹	-۰/۱۴				ST
NS	۱/۸۷	۰/۱۳				NS
NS	۰/۰۲	۰/۰۰				HA
NS	۰/۳۷	۰/۰۲				RD
NS	۰/۹۲	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۲۷	وسواسی	PS
NS	۱/۵۳	-۰/۱۲				C
NS	۱/۳۹	-۰/۱۲				SD
NS	۰/۱۶	۰/۰۱				ST
NS	۰/۹۳	-۰/۰۶				NS
NS	۰/۵۴	-۰/۰۴				HA
NS	۰/۸۹	-۰/۰۶				RD
NS	۰/۱۱	-۰/۰۰	۰/۱۵	۰/۳۸	سرحالی	PS
NS	۰/۹۴	۰/۰۷				C
۰/۰۰۱	۳/۰۳	۰/۲۵				SD
NS	۱/۶۶	۰/۱۱				ST
NS	۰/۸۳	۰/۰۵				NS
۰/۰۰۱	۳/۴۹	-۰/۲۶				HA
NS	۰/۳۲	-۰/۰۲				RD
NS	۱/۶۲	۰/۱۰	۰/۲۵	۰/۵۰	هیجان‌زدگی	PS
NS	۰/۰۳	-۰/۰۰				C
۰/۰۰۱	۳/۲۴	۰/۲۵				SD
NS	۰/۷۶	۰/۰۴				ST
۰/۰۰۱	۴/۲۹	۰/۲۸				NS
NS	۰/۱۱	-۰/۰۰				HA
NS	۰/۷۱	-۰/۰۴				RD
۰/۰۰۱	۲/۸۵	۰/۱۸	۰/۱۶	-/۴۰	تحریک‌پذیری	PS
۰/۰۵	۲/۰۸	-۰/۱۶				C
NS	۰/۰۰	۰/۰۰				SD
NS	۰/۰۳	-۰/۰۰				ST

	۵/۴۱	۰/۳۶			NS
۰/۰۰۱	۰/۳۱	۰/۰۲			HA
NS	۰/۶۳	-۰/۰۴		۰/۴۲	RD
NS	۰/۹۵	۰/۰۶	۰/۱۸		PS بازداری زدایی
NS	۰/۵۴	-۰/۰۴			C
NS	۱/۴۳	-۰/۱۱			SD
NS	۰/۱۰	-۰/۰۰			ST
	۵/۷۲	۰/۳۸			NS
۰/۰۰۱	۰/۳۷	-۰/۰۳			HA
NS	۱/۷۳	۰/۱۱			RD
NS	۰/۲۶	۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۴۳	PS سرخوشی
NS	۱/۲۶	-۰/۰۹			C
NS	۰/۹۸	۰/۰۸			SD
NS	۱/۵۵	۰/۱۰			ST

جدول (۴ و ۵) بیانگر این است که نظریه هفت عاملی کلونینجر با ضرایب بیان شده توانست تغییرات ابعاد هیجانی و عاطفی نظریه AFFECT را بسنجد. نتایج جدول ابعاد هیجانی نشان می‌دهد که بعد اجتناب از آسیب و خودراهبردی بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر اراده داشتند. اجتناب از آسیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر حساسیت و مقابله داشت. نوجویی، وابستگی به پاداش و خودراهبردی بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر کنترل داشت.

در قسمت ابعاد عاطفی AFFECT اجتناب از آسیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر افسردگی و اضطراب بعد پشتکار بیشترین سهم را در پیش‌بین متغیر اضطراب داشتند. اجتناب از آسیب و خودراهبردی بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر بی‌تفاوتی داشتند. اجتناب از آسیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر ادوارخویی داشت. همکاری بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر ملالت، خودراهبردی بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر تغییرپذیری و سرحالی داشت. بعد اجتناب از آسیب و خودراهبردی بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر هیجان‌زدگی داشتند. بعد نوجویی و پشتکار بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر تحریک‌پذیری داشت. بعد نوجویی بیشترین سهم را در پیش‌بینی متغیر بازداری زدایی

و سرخوشی داشت. به طور کلی تمامی ابعاد نظریه هفت عاملی کلونینجر توانستند ابعاد عاطفی و هیجانی AFECT جز بعد خشم و وسواسی را پیش‌بینی نمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر رابطه بین ابعاد مدل AFECT (هیجانی و عاطفی) با ابعاد نظریه کلونینجر (چهار بعد سرشتی و سه بعد منشی)، یکی از جدیدترین و مشهورترین نظریه‌های شخصیت در دهه‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ابعاد مدل AFECT تا حدود زیادی از روی ابعاد کلونینجر قابل پیش‌بینی است. در عین حال نوع روابط به‌دست آمده نیاز به تبیین دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون به‌صورت کلی نشان داد که همه ابعاد سرشت هیجانی AFECT از روی ابعاد نظریه کلونینجر قابل پیش‌بینی هستند. در این میان بالاترین همبستگی چندمتغیری مربوط به دو بعد اراده و کنترل و کمترین آنها مربوط به خشم است. به‌صورت جزئی رابطه ابعاد دو نظریه به‌شرح زیر است:

بعد اراده از مدل AFECT با سه بعد منشی کلونینجر، یعنی خودراهبری، همکاری و خودتعالی‌بخشی رابطه مثبت معنادار و با آسیب‌پرهیزی رابطه منفی معناداری داشت. از آنجایی که اراده از صفاتی است که با عواطف مثبت، انرژی و خوشایندی رابطه دارد (بورلی و لارا، ۲۰۱۴؛ به نقل از رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴) این روابط کاملاً منطقی به‌نظر می‌رسد. به‌علاوه اینگونه بیان شده است که بعد اراده در ارتباط نزدیک با بعد خودراهبری در نظریه کلونینجر است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). از آنجایی که اجتناب از آسیب در نظریه کلونینجر معادل ترس است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲)، رابطه منفی آن با اراده کاملاً قابل پیش‌بینی است زیرا در مدل AFECT، اراده با بازداری کم و فعالسازی بالا همراه است درحالی‌که ترس (که معادل اجتناب از آسیب است) حالتی است که در آن بازداری بالا و فعالسازی کم است.

بعد خشم از مدل AFECT با نوجویی کلونینجر رابطه مثبت و معنادار داشت در حالی‌که با همکاری و خودراهبری رابطه منفی معناداری نشان داد. طبق مدل AFECT بعد خشم



معادل نوجویی در نظریه کلونینجر است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از رسولزاده و همکاران، ۱۳۹۴)، بنابراین رابطه مثبت خشم و نوجویی کاملاً قابل پیش‌بینی است اما اینکه میزان رابطه در حد ۰/۱۵ است قابل تأمل بوده و نیاز به بررسی بیشتری دارد. از آنجایی که استواری هیجانی در مدل AFECT با غلبه اراده بر خشم تعریف می‌شود (لارا و همکاران، ۲۰۱۲) بنابراین طبیعی است که خشم با عوامل مثبتی مانند همکاری و خودراهبری رابطه منفی داشته باشد.

بعد بازداری با نوجویی رابطه منفی معنادار و با اجتناب از آسیب و وابستگی به پاداش رابطه مثبت معنادار داشت. از آنجایی که اجتناب از آسیب در نظریه کلونینجر معادل مفهوم ترس و بازداری در نظریه گری (لارا و همکاران، ۲۰۱۲) است، رابطه مثبت آن با بعد بازداری از مدل AFECT، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. طبق نظریه کلونینجر، نوجویی معادل بعد خشم از مدل AFECT است، و در عین حال خشم حالتی است که با فعالسازی بالا و بازداری بالا تعریف می‌شود (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). با این حساب، رابطه منفی نوجویی با بازداری خلاف انتظار است. سه ویژگی مثبت اراده، مقابله و کنترل با نوجویی و اجتناب از آسیب رابطه منفی و با سه بعد منشی خودراهبری، همکاری و خودتعالی بخشی رابطه مثبت داشت. این نتایج همخوان با اصول هر دو نظریه است. در نظریه کلونینجر افراد دارای شخصیت پخته (یعنی دارای انطباق اثربخش و رضایت از خود) دارای خودتکایی، همکاری و خودتعالی بخشی هستند، و در مقابل افراد مبتلا به اختلالات شخصیت از چنین ویژگی‌هایی برخوردار نیستند (کلونینجر، اسوراکیک و پرزیوک، ۱۹۹۳). از طرف دیگر بعد اراده از مدل AFECT از صفاتی است که با عواطف مثبت، انرژی و خوشایندی رابطه دارد (بورلی و لارا، ۲۰۱۴؛ به نقل از رسولزاده و همکاران، ۱۳۹۴) و در ارتباط نزدیک با بعد خودراهبری در نظریه کلونینجر است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). هم‌چنین بعد مقابله نشان‌دهنده توانایی فرد در حل مسائل است و این بعد نیز معادل بعد خودراهبری در نظریه کلونینجر در نظر گرفته شده است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). بعد کنترل نیز که براساس تعریف با احساس لیاقت و باکفایتی و نظم و سازماندهی همراه است و این بعد نیز با بعد وظیفه‌شناسی از مدل پنج عاملی شخصیت (چیوکوتتا و استیلس، ۲۰۰۵؛ به نقل از رسولزاده

و همکاران، ۱۳۹۴) و پشتکار و خودراهبری کلونیجر معادل است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). بر این اساس، رابطه مثبت ابعاد منشی کلونیجر با سه بعد اراده، مقابله و کنترل که هر سه با رویکرد مثبت، خودراهبری و خودکفایتی در ارتباط هستند، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

بعد حساسیت با اجتناب از آسیب و وابستگی به پاداش رابطه مثبت معنادار و با هر سه بعد منشی رابطه منفی داشت که از این بین رابطه با خودراهبری و خودتعالی بخشی معنادار بود. از آنجایی که حساسیت در مدل AFFECT به معنای آسیب‌پذیری فرد در برابر تعارضات بین فردی و رویدادهای زندگی است (فوسکالدو<sup>۱</sup>، بیسول<sup>۲</sup> و لارا، ۲۰۱۳، به نقل از رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴)، رابطه مثبت آن با اجتناب از آسیب که بنا به تعریف با نگرانی بدبینانه در پیش‌بینی‌ها و اجتناب منفعل همراه است (کلونیجر، ۱۹۸۷)، منطقی به نظر می‌رسد. از طرف دیگر از آنجایی که وابستگی به پاداش با ویژگی‌هایی همچون احساساتی بودن و وابستگی به تأیید دیگران همراه است (کلونیجر، ۱۹۸۷) شاید بتوان پیش‌بینی کرد که افراد با وابستگی به پاداش بالا در تعارضات بین فردی حساسیت بیشتری از خود نشان دهند، که این امر رابطه مثبت وابستگی به پاداش با حساسیت را تأیید می‌کند. همچنین طبق آنچه پیش از این گفته شد ابعاد منشی کلونیجر با ویژگی‌های شخصیت پخته در ارتباط است، بنابراین رابطه منفی حساسیت هیجانی با ابعاد منشی کلونیجر کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

بعد نوجویی از نظریه کلونیجر با سه بعد افسردگی، اضطراب و بی‌تفاوتی رابطه معناداری نداشت. از این سه بعد در مدل AFFECT با عنوان شاخص درونی‌سازی<sup>۳</sup> یاد شده است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲) که در آن دو بعد فعالسازی و بازداری در وضعیت هم‌افزا<sup>۴</sup> قرار دارند بدین معنا که با فعالیت پایین و بازداری همراه هستند. با توجه به اینکه نوجویی معادل خشم در مدل AFFECT است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲)، به نظر می‌رسد بایستی با سه بعد درونی‌سازی رابطه منفی داشته باشد. از طرف دیگر سه بعد مربوط به درونی‌سازی، با اجتناب از آسیب رابطه مثبت معنادار نشان داد که مطابق با انتظار است چرا که درونی‌سازی با فعالیت پایین و بازداری بالا مشخص می‌شود و بازداری معادل اجتناب از آسیب در نظریه

1- Fuscaldo  
3- internalization index

2- Bisol  
4- synergistic

کلونینجر است. طبق اصول مدل AFECT، ابعاد درونی‌سازی بایستی با خشم پایین و بازداری بالا همراه باشد، اما براساس نتایج، ظاهراً نوجویی نقش چندانی در این ابعاد ندارد، هم‌چنان‌که رابطه خشم با نوجویی (۰/۱۵) نیز کمتر از میزانی بود که انتظار می‌رفت.

ابعاد شاخص ناستواری<sup>۱</sup>، یعنی ادواری‌خویی، تغییرپذیری و ملالت با هر دو بعد نوجویی و اجتناب از آسیب رابطه مثبت نشان داد. طبق مدل AFECT (لارا و همکاران، ۲۰۱۲)، این سه بعد در وضعیت هم‌ستیز<sup>۲</sup> قرار دارند به این معنا که در آنها فعالسازی بالا با بازداری بالا و یا بالعکس فعالسازی پایین با بازداری پایین همراه می‌شود و حالت دوسوگرایی ایجاد می‌گردد. طبق این توصیف، رابطه مثبت این سه بعد با هر دو بعد نوجویی و اجتناب از آسیب که معادل فعالیت و بازداری محسوب می‌شوند، به‌نظر منطقی می‌رسد. از طرف دیگر رابطه منفی سه بعد مذکور با سه بعد منشی کلونینجر قابل انتظار است، چرا که ابعاد منشی با ویژگی‌های شخصیت بهنجار در ارتباط است و طبیعتاً بایستی با ابعاد مرتبط با ناستواری رابطه منفی داشته باشد.

دو بعد سرحالی و هیجان‌زدگی از مدل AFECT که در منطقه فعالسازی و بازداری متوسط قرار می‌گیرد و فرض بر آن است که با استواری هیجانی همراه است (لارا و همکاران، ۲۰۱۲) با هر دو بعد نوجویی و اجتناب از آسیب رابطه منفی نشان داد که البته رابطه هیجان‌زدگی با نوجویی معنادار نبود. وابستگی به پاداش از میان ابعاد سرشت عاطفی بیشترین همبستگی را با افسردگی و سرخوشی دارد که از این بین فقط رابطه با افسردگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. این نتیجه چندان دور از ذهن نیست چرا که افسردگی و سرخوشی در دو سر پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک طرف (افسردگی) حداکثر بازداری و حداقل فعالیت و در طرف دیگر (سرخوشی) حداکثر فعالیت و حداقل بازداری وجود دارد (لارا و همکاران، ۲۰۱۲). هر سه بعد مربوط به نوع برون‌سازی، یعنی تحریک‌پذیری، بازداری‌زدایی و سرخوشی، با نوجویی رابطه مثبت داشت اما با اجتناب از آسیب رابطه معناداری نشان نداد. از میان این سه بعد تنها تحریک‌پذیری با پشتکار، رابطه مثبت داشت.

1- unstability

2- antagonistic

ابعاد منشی نظریه کلونینجر، یعنی خودراهبری، همکاری و خودتعالی‌بخشی، همگی با ابعاد سه تیپ درونی‌سازی، ناستواری و برون‌سازی رابطه منفی داشت. از آنجایی که ابعاد منشی نظریه کلونینجر هر سه با هیجان‌های مثبت در ارتباط هستند (کلونینجر، ۱۹۸۷) این رابطه کاملاً مطابق با انتظار است، زیرا در این هر سه تیپ، به دلیل افزایش یا کاهش بیش از حد یکی از ابعاد فعالسازی و بازداری، استواری هیجانی دچار مشکل می‌شود. البته همه روابط منفی به‌دست آمده، به خصوص در مورد خودتعالی‌بخشی به سطح معناداری نرسیده است. برای مثال رابطه بعد تعالی‌بخشی با هیچکدام از ابعاد تیپ برون‌سازی معنادار نیست. همسو با این نتیجه کلونینجر و همکاران (۱۹۹۳) بیان می‌کند که خودتعالی‌بخشی در اختلالات شخصیت دیده می‌شود اما این بعد، توانایی متمایز ساختن اختلالات از یکدیگر را ندارد.

از طرف دیگر از بین ابعاد شاخص استواری، دو بعد سرحالی و هیجان‌زدگی با سه بعد منشی نظریه کلونینجر که طبق این نظریه، با ویژگی‌های شخصیت پخته همراه است (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۳) رابطه مثبت داشت که منطقی به نظر می‌رسد. این در حالی است که وسواس با ابعاد منشی کلونینجر رابطه منفی داشت. بر این اساس به نظر می‌رسد وسواس با دو بعد دیگر تفاوت ماهیتی دارد و گنجاندن آن در شاخص استواری، قابل تأمل به نظر می‌رسد.

کلونینجر بیان می‌کند که خودراهبری مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده وجود یا عدم وجود اختلال شخصیت است و از اهمیت بالینی بالایی برخوردار است (کلونینجر، ۱۹۸۷). همانطور که در نتایج دیده می‌شود، به‌طور کلی بالاترین روابط منفی با دو شاخص درونی‌سازی و ناستواری و روابط مثبت با دو بعد سرحالی و هیجان‌زدگی با خودراهبری به‌دست آمد.

در مجموع ابعاد مدل AFFECT از روی ابعاد نظریه کلونینجر قابل پیش‌بینی است. در عین حال به نظر می‌رسد مفاهیم فعالسازی و بازداری در این دو دیدگاه انطباق کامل با یکدیگر ندارند. نیرومندی بعد نوجویی که معادل خشم در نظر گرفته شده است، از طرفی با کمبود مقابله و کنترل همراه است و از طرف دیگر با شاخص‌های ناستواری (دوسوگرایی) و برون‌سازی در ارتباط است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که نوجویی در اختلالاتی مانند

دوقطبی، بیش‌فعالی و شیدایی بیشتر خود را نشان دهد، در حالی که با اختلال افسردگی ارتباطی نداشته باشد. از طرف دیگر نیرومندی اجتناب از آسیب با دو شاخص درونی‌سازی و ناستواری رابطه مثبت دارد. با این اوصاف نوجویی و اجتناب از آسیب به‌صورت مشترک در عواطف ناستوار وجود دارد و در عین حال هر چه به سمت بالا (عواطف برون‌سازی شده) برویم نوجویی افزایش می‌یابد و هرچه به سمت پایین (عواطف درون‌سازی شده) برویم، اجتناب از آسیب افزایش پیدا می‌کند. در عین حال با توجه به روابط به‌دست آمده، به نظر می‌رسد هرچند ابعاد مدل افکت از روی ابعاد کلونینجر قابل پیش‌بینی هستند، اما هیچکدام از ابعاد افکت به تنهایی جایگزینی نیرومند برای ابعاد نظریه کلونینجر نیستند.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، جدید بودن مدل بررسی شده و نبودن سابقه مشابه برای مقایسه نتایج تحقیق بود. درواقع تنها منبع مقایسه، مبانی و اصول نظریه‌های پیشین و روابط به‌دست آمده بین ابعاد آنها بود. بررسی رابطه مدل AFFECT با نظریات شخصیتی دیگر، می‌تواند تکمیل‌کننده یافته‌های پژوهش حاضر باشد. همچنین از آنجا که پژوهش حاضر در مورد دانشجویان به مرحله اجرا درآمده است لذا پیشنهاد می‌شود این مطالعه بر روی جمعیت غیردانشجویی نیز انجام شود.

### تشکر و قدردانی

بدینوسیله از زحمات مسئولان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان و کلیه دانشجویانی که پرسشنامه حاضر را پاسخ دادند و ما را در انجام این پژوهش یاری کردند تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

## منابع

- بیرامی، منصور و آیدا عبداله‌زاده جدی (۱۳۹۱). مطالعه‌ی مبتنی بر مدل کلونینجر: مقایسه عامل‌های سرشت و منش اقدام‌کنندگان به خودکشی با افراد بهنجار، *مجله‌ی اصول بهداشت روانی*، ۱۴(۴)، ۳۳۶-۳۳۳
- رسول‌زاده، مهناز؛ چلبیانلو، غلامرضا؛ عبدی، رضا و سعیده شیخ (۱۳۹۴). نقش مدل ترکیبی سرشت عاطفی و هیجانی (AFECT) در پیش‌بینی علائم اختلال افسرده‌خویی (DD) در دانشجویان، *مجله پزشکی ارومیه*، ۲۶(۵)، ۴۵۰-۴۴۰.
- کاویانی، ح و پورناصح، م. (۱۳۸۴). اعتباریابی و هنجارسنجی پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر، *مجله دانشکده پزشکی*، ۶۳(۲)، ۸۹-۹۸.
- Cloninger, C.R. (1987). A systematic method for clinical description and classification of personality variants, *Archives of General Psychiatry* 44, 573-588
- Cloninger, C.R. (2000). A Practical way to diagnose personality disorder: A PROPOSAL, *Journal of Personality Disorders*, 14 (2), 99-108.
- Cloninger, C.R. (2004). *Feeling good: the science of well-being*, New York: Oxford University Press
- Cloninger, C.R. (2006). The science of well-being: an integrated approach to mental health and its disorders. *World Psychiatry*, 5(2), 71° 76.
- Cloninger, C.R. & Svrakis, D.M. (2005). Personality disorder. In B.J. Sadock, V.A. Sadock, *Comprehensive textbook of psychiatry* (Eight Edition, pp. 2063-2015), Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins.
- Cloninger, C.R., Svrakic, D.M., Przybeck, T.R. (1993). A psychobiological model of temperament and character, *Archives of General Psychiatry* 50, 975° 990.
- Dinya, E., Csorba, J. & Grosz, Z. (2012). Are there temperament differences between major depression and dysthymic disorder in adolescent clinical outpatients?, *Comprehensive Psychiatry*, 53, 350-354.
- Fruyt, F.D., Wiele, V.L. & Heeringen, C. Van (2000). Cloninger's Psychobiological Model of Temperament and Character and the Five-Factor Model of Personality, *Personality and Individual Differences*, 29, 441-452.
- Fuscaldo, V.L., Bisol, W.L. & Lara, R.D. (2013). How Emotional Traits and Affective Temperaments Relate to Cocaine Experimentation Abuse and Dependence in a Large Sample. *Addictive Behaviors*, 38: 1859-1864.

- 
- Garcia, D., Nima, A.A. & Archer, T. (2013). International note: Temperament and character's relationship to subjective well-being in Salvadorian adolescents and young adults. *Journal of Adolescence*, 36, 1115-1119.
- Giancola, P.R., Zeichner, A., Newbolt, W.H., & Stennett, R.B. (1994). Construct validity of the dimensions of Cloninger's Tridimensional Personality Questionnaire, *Personality and Individual Differences*, 17, 627-636.
- Gois, C., Akiskal, H., Akiskal, k. & Figueirad, L.M. (2012). The relationship between temperament diabetes and depression, *Journal of Affective Disorder*, 142, 67-71.
- Hyphantis, N.T., Taunay, C.T., Macedo, S.D., Soeiro-de-Souza, G.M., Bisol, W.L., Fountoulakis, N.k, Lara, R.D. & Carvalho, F.A. (2013). Affective temperaments and ego defense mechanisms associated with somatic symptom severity in a large sample, *Journal of Affective Disorder*, 150, 481-489.
- Lara, D.R., Bisol, L.W., Brunstein, M.G., Reppold, C.T., de Carvalho, H.W., & Ottoni, G.L. (2012). The Affective and Emotional Composite Temperament (AFECT) model and scale: A system-based integrative approach, *Journal of affective disorders*, 140(1), 14-37.
- Purper-Ouakil D, Cortese, S, Wohl, M., Aubron, V., Orejarena, S., Michel, G., Asch, M., Mouren, M.C., Gorwood, P. (2010). Temperament and character dimensions associated with clinical characteristics and treatment outcome in attention-deficit/hyperactivity disorder boys, *Comprehensive Psychiatry*, 51, 286° 292.
- Takeuchi, M., Miyaoka, H., Tomoda, A., Suzuki, M., Lu, X. & Kitamura, T. (2011). Validity and reliability of the Japanese version of the Temperament and Character Inventory: a study of university and college students, *Comprehensive psychiatry*, 52(1), 109-117.

پرتال جامع علوم انسانی